



## effectiveness of a training program related to successful marriage over marital conflicts based on indigenous qualitative research

## اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق بر تعارضات زناشویی

**Zeinab salari zare Ph.D Student**

Department of Family Counseling, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

**Mahmoud Goudarzi.Ph.D.**

Associate Professor, Department of family counseling, Sanandaj branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

**Farzad Zandi.Ph.D**

Assistant Professor of Psychology, Qorveh Branch, Islamic Azad University, Qorveh, Iran.

**Parviz Karimi Sani.Ph.D.**

Department of Psychology, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.

زینب سالاری زارع

دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

محمود گودرزی\*

دانشیار مشاوره خانواده، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

فرزاد زندی

استادیار گروه روانشناسی، واحد قروه، دانشگاه آزاد اسلامی، قروه، ایران.

پرویز کریمی ثانی

دانشیار مشاوره، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

### Abstract

The study aimed to evaluate the effectiveness of a training program related to successful marriage over marital conflicts based on indigenous qualitative research. The research method was quasi-experimental with pre-test, post-test, design. By using convenience sampling and Selected as 30 Couple sample in two experimental(15 Couple) and control (15 Couple) groups, the statistical population of the study were all conflicting couples referred to Gorgan city counseling centers in 2019. Then, the marital conflict questionnaire (Sanaei, 2008) was performed on them. Once in a week for two months, eight (90 minute) individual sessions of training based on indigenous qualitative research related to successful marriage were held, and no training was performed for the control group. Then, the post-test was performed on both groups. Multivariate covariance analysis was used to analyze the data. The results showed that there is a significant difference ( $p \geq 0.05$ ) between these two groups in the marital conflict variable and the Mean in the experimental group was lower than the control group. In this way, the compiled educational program related to successful marriage based on indigenous qualitative research can be effective in reducing marital conflicts between couples who go to the counseling centers.

**Keywords:** successful Marriage, Marital Conflict, Indigenous Qualitative Research

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق بر تعارضات زناشویی انجام شده است. روش پژوهش به صورت شبه آزمایشی همراه با طرح پیش آزمون، پس آزمون صورت گرفت. جامعه آماری کلیه زوجین متعارض مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر گرگان در سال ۹۸ بود که تعداد ۳۰ زوج انتخاب و با استفاده از نمونه گیری در دسترس در دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و کنترل (۱۵ زوج) گمارده شدند. سپس پرسشنامه تعارضات زناشویی (Sanaei, 2008) بر روی آنها اجرا شد. برای گروه آزمایش ۸ جلسه فردی (۹۰ دقیقه ای) به صورت هفتگی یک جلسه در طی دو ماه، آموزش مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق بر گزار شد و برای گروه کنترل هیچ آموزشی صورت نگرفت. سپس از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. برای تحلیل داده ها از تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری ( $p \geq 0.05$ ) بین دو گروه در متغیر تعارضات زناشویی وجود دارد و میانگین نمرات در گروه آزمایش پایین تر از گروه کنترل بود. به این ترتیب برنامه آموزشی تدوین شده مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق می تواند در کاهش تعارضات زناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره موثر باشد.

**کلمات کلیدی:** ازدواج موفق، تعارضات زناشویی، تحقیقات

کیفی بومی

## مقدمه

یکی از پیامدهای آسیب در خانواده بروز تعارضات زناشویی در بین زوجین است. تعارضات زناشویی بخشی از تجربه بسیاری از زنان و مردان می باشد. علیرغم اینکه اکثر ازدواج‌ها شروع خوبی دارند اما، در نهایت زوجین از رابطه‌ی خود راضی نیستند. به نظر می رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج بستگی به خود زوج دارد (Manap, Che Kassim, Hoesni, Nen, Idris, Ghazali, 2013).

در صورتی که کانون خانواده در بردارنده‌ی محیط سالم و روابط گرم و تعامل صمیمانه‌ی بین فردی باشد، باعث رشد و پیشرفت اعضای خانواده می گردد (Campbel, 2003). به نقل از (Pirsaghi & etal, 2017) اما فروپاشی و تعارضات جدی زندگی زناشویی با افزایش مشکلات روانی و کاهش سلامت جسمانی و افت موقعیت اجتماعی و اقتصادی برای همه‌ی افراد درگیر، رابطه دارد (Gottman, 2013). به نقل از (khojastemehr & mohamadi, 2016). (Fowers & Olson, 1992) نیز همسران متعارض را کسانی می دانند که از عادات و شخصیت همسر خود ناراضی بوده و دارای مشکلات ارتباطی در حوزه‌های مختلف هستند. البته اختلاف زناشویی به خودی خود، پیوند زناشویی را تهدید نمی کند، بلکه عواطفی چون یاس، رنجش و بیزاری، باعث نارضایتی شده و رابطه را مختل می کند. همچنین هر جا عدم توافق، تفاوت یا ناسازگاری بین همسران وجود داشته باشد، تعارض پدید خواهد آمد (Cohn, 1992). به نقل از (Markman & Halford, 2005). از آنجا که ازدواج را مبنای تشکیل خانواده می دانیم، پس هر فردی نتیجه یک ازدواج است که می توان آن را موفق یا ناموفق نامید (Segrin & Flora, 2005) ازدواج موفق معمولاً با سازگاری و رضایت زناشویی با هم به کار می روند. ازدواجی را می توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوج بالا بوده و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشند (Bradbury, Fincham & Beach, 2000).

با این حال، ازدواج، در هر جامعه از ویژگی‌های منحصر به فرد برخوردار بوده و تابع قوانین خاص آن جامعه می باشد (Sarokhani, 2005). تعریف ازدواج، در جوامع گوناگون

و در فرهنگ‌های گوناگون، با هم متفاوت بوده و ساختار فرهنگی، اجتماعی هرکشوری، مفهوم و معنای متفاوتی را از ازدواج القا می کند. در کشور ما، ازدواج به عنوان بنیان خانواده، عبارت است از یک رابطه قانونی، عرفی و یا دینی که یک مرد را با یک زن به طور دائم یا موقت پیوند می دهد. این پیوند هرچقدر استحکام بیشتری داشته باشد، سلامت جامعه را بیشتر تامین می کند (Sarokhani, 2005).

مدل بومی ازدواج موفق که حاصل فراترکیب پژوهش‌های کیفی داخلی در حوزه‌ی ازدواج موفق می باشد به شناسایی ۱۴ مضمون اصلی به عنوان مؤلفه‌های ازدواج موفق بومی پرداخته است. که عبارت اند از: ۱) اثرات خانواده مبدأ ۲) فردیت یابی و احترام به فردیت یکدیگر ۳) وظیفه شناسی ۴) امور دینی و معنوی ۵) همبستگی پیشرفت ۶) همراهی در زندگی ۷) تعهدپذیری ۸) داشتن خلق مثبت ۹) شناخت و ازدواج هم کفو ۱۰) آراستگی و مرتب بودن ۱۱) مهارت‌های حل تعارض ۱۲) رضایت متقابل عاطفی، اجتماعی، جنسی ۱۳) همکاری و هم فهمی زوجین ۱۴) پختگی و سلامت روانی (Salarizare, Goudarzi, Zandi, Karimisan, 2019).

اثرات خانواده مبدأ به عنوان یکی از ابعاد ازدواج موفق در نظر گرفته شده است که شامل: تعاملات درون خانوادگی در خانواده مبدأ، روابط مناسب زوجین با خانواده مبدأ، حمایت خانواده‌ها از زوجین می باشد. مقوله فردیت و احترام به فردیت یکدیگر شامل: حفظ کردن قلمرو زناشویی، مستقل شدن فرد از خانواده مبدأ، پذیرش فردیت یکدیگر می باشد. حفظ استقلال خانواده به معنای جلوگیری از دخالت‌های دیگران در زندگی زناشویی می باشد. مهم ترین کسانی که می توانند، در زندگی زوج‌ها دخالت نایجا داشته باشند، خانواده‌های آنها هستند (سالاری، گودرزی، زندی و کریمی ثانی، ۱۳۹۸). مقوله وظیفه شناسی شامل: توانایی زوجین در تامین هزینه‌های زندگی و وظیفه و مسئولیت شناسی می باشد. وظیفه شناسی زوجین هر کدام از آنها را یا مسئولیت‌های زندگی زناشویی روبرو می کند. مسئولیت‌پذیری و وظیفه شناسی به عنوان یکی از ویژگی‌های همسران موفق در پژوهش‌ها و نظریات مختلف به چشم می خورد. زوجین با انجام وظایف زن و شوهری نقش‌های خود را در منظومه

کسب آگاهی و شناخت قبل ازدواج، شناخت خود و اعتماد به نفس می باشد. جذابیت و آراستگی ظاهری یکی از مواردی است که باعث می شود افراد مختلف حتی در شرایطی غیر از ازدواج به یکدیگر تمایل پیدا کنند. مهارت حل تعارض زوجین را قادر می سازد که چالش ها و بحران های پیش رو در زندگی مشترک را برطرف کنند. مقوله چاره اندیشی برای اختلاف نظرها شامل: باورهای منطقی و سازنده برای تداوم رابطه زناشویی و چاره اندیشی برای اختلاف نظرها می باشد. از آنجایی که هر رابطه ی دو نفره ای چالش ها و مشکلات خاص خود را دارد زوجینی که از مهارت حل تعارض برخوردار باشند بهتر از زوجین فاقد این مهارت می توانند چالش ها و مشکلات ایجاد شده را برطرف کنند و به سازگاری برسند. مقوله همراهی و هم فهمی زوجین شامل: هم اندیشی و همکاری زوجین، داشتن فهم و درک مشترک از زندگی، انعطاف در سازگارشده با شرایط زندگی می باشد. زوجین موفق همچنین در مورد مسائل مختلف از درک و هم فهمی برخوردار هستند. هم اندیشی و هم فهمی زوجین موجب می شود زوجین از نظرات یکدیگر استفاده کنند، دیدگاه های متفاوت را بپذیرند و این امر کارکرد آنها در زندگی مشترک بالا می برد. زندگی زناشویی سرشار از تفاوت های بین زن و مرد بوده، و زوج ها در مسیر تشکیل روابط رضایت بخش، به ناچار باید تفاوت های موجود را درک کرده و بپذیرا باشند (Locet, 2008). پختگی هیجانی و سلامت روانی شرایط زمینه ای ازدواج موفق می باشند. مقوله پختگی و سلامت روانی شامل: پختگی هیجانی و بلوغ و جسمی و عقلانی می باشد. داشتن پختگی هیجانی و سلامت روانی شرایطی را فراهم می کند که زوجین با رفتار بالغانه در زندگی مشترک بتوانند مسائل و چالش های خود را مدیریت کنند. شواهد نظری و پژوهشی نشان می دهد که پختگی هیجانی عنصر مهم و اساسی در رضایت و خشنودی زناشویی می باشد. آگاهی از هیجانان و توانایی کنترل هیجانان منفی می تواند از بروز بسیاری مشکلات زناشویی جلوگیری نماید. بسیاری از مشکلات زناشویی در اثر بروز نامناسب هیجانان و عدم آگاهی کافی از نقش هیجانان در زندگی ایجاد شده، و حل آنها نیز در بسیاری موارد، به شناخت و آگاهی از این

زن و شوهری تثبت می کنند و از این طریق به حفظ رابطه زناشویی کمک می کنند. مقوله امور دینی و مذهبی شامل آموزه های دینی موثر و پایبندی به امور اخلاقی می باشد (salarizare, goudarzi, zandi, karimisasi, 2019).

زوجین موفق همچنین با انجام امور دینی و مذهبی و توکل بر خدا بر مشکلات موجود در زندگی مشترک فائق می آیند با توجه به اینکه در جامعه ایرانی اسلامی توکل و باورهای مذهبی در ایجاد سلامت روان افراد نقش مهمی را ایفا می کند، این مسئله به عنوان یکی از عوامل برجسته در ازدواج موفق بومی به شمار می آید. مقوله همبندی پیشرفت شامل رشد و هم تغییری و داشتن اهداف مشترک می باشد. داشتن روحیه پیشرفت (همبندی در پیشرفت)، وجود اهداف مشترک، رشد و هم تغییری زندگی زناشویی را پویاتر کرده، باعث ایجاد اتحاد زوجین می شود و فرصت تغییر و یادگیری را برای آنها فراهم می آورد (سالاری، گودرزی، زندگی و کریمی ثانی، ۱۳۹۸). مقوله همراهی در زندگی شامل حمایت و قدردانی زوجین از یکدیگر و همسانی و کمک در آموزش فرزند می باشد. همراهی زوجین در زندگی مشترک به آنها احساس ارزشمندی می دهد همچنین باعث ایجاد نزدیکی و هم حسی در آنها می گردد. مطالعات به وضوح نشان می دهد که برای ازدواج هایی که بادوام و رضایتمند هستند زوجین نیاز دارند که از همراهی یکدیگر لذت ببرند، تلاش همدیگر را مورد تقدیر قرار دهند و زمان هایی را که آنها با یکدیگر بدون فشار از طرف همسر دیگر مشارکت میکنند، ارزش بدانند (chung, 2005). مقوله تعهد پذیری شامل پایبندی به رابطه زناشویی، راستگویی و صداقت در زندگی زناشویی می باشد. از آنجایی که رابطه زناشویی یک رابطه انحصاری بین زن و شوهر است، وجود تعهد و صداقت در همسران باعث ایجاد اعتماد و امنیت خاطر در آنها شده و آرامش را برای زندگی زناشویی به ارمغان می آورد. مقوله داشتن خلق مثبت شامل: شادی آفرینی در زندگی مشترک، نگرش مثبت نسبت به ازدواج می باشد. داشتن خلق مثبت و روحیه شادی آفرینی در خانه، نگرش مثبت همسران آنها را از یکنواختی زندگی مشترک جدا کرده و زندگی مشترک را سرزنده و پویاتر می کند. مقوله شناخت و ازدواج هم کفو شامل: همسان بودن،

های خروج شامل زوجینی بود که کمتر از ۵ سال از زندگی شان گذشته، فرزندی ندارند و تحصیلات آنها پایین تر از دیپلم می باشد. همچنین تعارضی را در زندگی مشترک خود گزارش نکردند.

### ابزار سنجش

پرسشنامه تعارض زناشویی (marital conflicts): نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه تعارض های زناشویی (2008) sanaei&Barati یک ابزار ۴۲ سوالی است که برای سنجیدن تعارض های زناشویی ساخته شده است. این ابزار هفت سویه یا هفت بعد تعارض های زناشویی را اندازه می گیرد. برای هر پرسش پنج گزینه در نظر گرفته شده است که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. سوال های خرده مقیاس ها از این قرار است کاهش همکاری پرسش های ۳-۹-۱۹-۲۱-۲۷، کاهش رابطه جنسی پرسش های ۴-۳۲-۲۸-۱۵-۱۰، افزایش واکنش های هیجانی پرسش های ۴۱-۳۹-۳۴-۲۹-۲۲-۱۶-۱۱-۵، افزایش جلب حمایت فرزند پرسش های ۷-۱۸-۲۴-۳۱-۳۶، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود پرسش های ۶-۱۲-۱۷-۲۳-۳۰-۳۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان پرسش های ۱-۱۹-۲۵-۳۷-۴۰-۴۲ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر مربوط به پرسش های ۲-۸-۱۳-۲۰-۲۶-۳۲-۳۸ می باشد.

در پژوهش (2004) khazaei به منظور سنجش روایی، نمرات همه مولفه های پرسشنامه تعارض های زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱ همبستگی معنی دار نشان دادند. در رابطه با پایایی پرسشنامه نیز (2006) dehghan در تحقیق خود برای هنجاریابی پرسشنامه تعارض زناشویی روی یک گروه ۳۰ نفری بررسی انجام داده و از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت مؤلفه آن به ترتیب کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰، افزایش واکنش های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹ به

هیجانان بستگی دارد. زوج های موفق قادرند، به بهترین شکل هیجانان منفی خود را کنترل کرده و از قدرت هیجانان خود در جهت بهبود روابط استفاده نمایند (salarizare, goudarzi, zandi, karimisasi, 2019). با توجه به ارائه توضیحات در مورد برنامه آموزشی مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق این پژوهش بر آن است این فرضیه را بررسی کند که برنامه آموزشی مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق بر تعارضات زناشویی تأثیر دارد. و اثربخشی این برنامه در مولفه های تعارض های زناشویی چگونه است؟ فرضیه ی این پژوهش عبارت است از: ۱) برنامه آموزشی مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق بر تعارضات زناشویی تأثیر دارد.

### روش

این پژوهش یک طرح شبه آزمایشی بود که در آن از طرح پیش آزمون پس آزمون با گروه استفاده شد. در این پژوهش برنامه آموزشی تدوین شده مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق به عنوان متغیر مستقل و تعارضات زناشویی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. جامعه آماری پژوهش، تمام زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر گرگان که درگیر تعارضات زناشویی بودند. روش نمونه گیری در دسترس می باشد. حجم نمونه تعداد ۳۰ نفر از زوجینی که در پرسشنامه تعارضات زناشویی (sanaei, 2008) بالاترین نمره را کسب کردند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) گمارده شدند. گروه آزمایش ۸ جلسه فردی (۹۰ دقیقه ای) هفته ای یک بار در طی دو ماه آموزش ازدواج موفق بومی را دریافت کردند و در گروه کنترل هیچ نوع مداخله ای انجام نگرفت. سپس از هر دو گروه پس آزمون به عمل آمد. همچنین دو ماه بعد از اتمام جلسات برای هر دو گروه پیگیری به عمل آمد. ملاک های ورودی به جلسات آموزشی شامل زوجینی بود که بین ۵ تا ۱۰ سال از زندگی مشترکشان گذشته، دارای فرزند می باشند و حداقل تحصیلات دیپلم دارند. همچنین و بر طبق نظر خود و یا پرسشنامه تعارضات زناشویی دارای تعارض هستند. ملاک

آزمون کلموگروف اسمیرنوف (پیش شرط انجام آزمون پارامتریک) استفاده شد. به منظور بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر تحقیقات کیفی ازدواج موفق بر تعارضات زناشویی از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره استفاده شد. در این پژوهش آموزش مبتنی بر تحقیقات کیفی ازدواج موفق به عنوان متغیر مستقل و تعارضات زناشویی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. جلسات آموزشی برای ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای برای هر هفته یک جلسه به مدت ۲ ماه تنظیم و در گروه آزمایش اجرا شد. در جلسه اول از زوجین خواسته شد پرسشنامه تعارضات زناشویی را تکمیل کنند. در جلسات بعدی محتوا و نکات جلسات قبلی به اختصار ورد بحث و بازبینی قرار می گرفت و سپس مبحث جدید شروع می شد. خلاصه جلسات در جدول شماره ۱ آمده است. برای تحلیل از تحلیل کواریانس با رعایت پیش فرض های آن استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS22 تجزیه و تحلیل شدند.

دست آمده است. (Barati 2010) در تحقیق خود برای پایداری پرسشنامه تعارضات های زناشویی از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده که نمرات برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ به دست آمده است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برآورد شد. یکی از سوالات پرسشنامه به شرح زیر است: هنگام مراجعه با همسر، رابطه من با خانواده پدر و مادری او قطع می شود.

## روش اجرا و تحلیل داده ها

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی استفاده شد. برای بررسی میزان نمرات در دو گروه در مراحل پیش آزمون و پس آزمون و جمعیت شناختی پژوهش و برای سهولت در درک میزان تفاوت گروه ها و میزان بهبود یا عدم بهبود در مراحل پیش آزمون و پس آزمون و همچنین به منظور همسانی واریانس ها در دو گروه (پیش شرط آزمون پارامتریک) از آزمون لوین استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد بررسی در پژوهش از

جدول ۱- شرح جلسات آموزش ازدواج موفق بومی

جلسه	هدف	محتوا	تکلیف
۱	بررسی اثرات خانواده مبدأ	بعد از تعیین اهداف و ارائه قوانین گروه توضیحاتی در مورد تأثیرات خانواده مبدأ در روابط زناشویی ارائه شد. بررسی اینکه زوجین متعلق به چه خانواده هایی هستند؟ تعاملات خانودگی آنها چگونه بوده و چه تاثیری بر روابط زناشویی آنها دارد؟ بررسی روابط زوجین با خانواده های مبدأ یکدیگر و چگونگی اثر گذاری این روابط بر تعاملات زناشویی	از زوجین خواسته نمونه هایی از تعارضات را که ناشی از اثرات خانواده مبدأ می باشد ذکر کنند.
۲	فردیت یابی و احترام به فردیت یکدیگر	آموزش به زوجین برای مرز سازی و حفظ کردن حریم زناشویی خود، تفکیک کردن خود از خانواده مبدأ و پذیرش فردیت یکدیگر	استفاده از فن دایره های مماس برای نشان دادن میزان فردیت هر فرد
۳	وظیفه شناسی زوجین	آموزش مسئولیت پذیری به زوجین، بررسی وظایف هر یک از زوجین در یکدیگر و فرزندان خود	اجرای یک نمونه نقش و وظیفه توسط یکی زوجین
۴	امور دینی و معنوی	آموزش و آداب همسر داری در دین اسلام و فرهنگ ایرانی، بررسی نقش صداقت و تعهد در پایداری ازدواج از دیدگاه فرهنگ و اسلام	از اعضا خواسته شد درباره نقش امور دینی در رضایت زناشویی مطالعه کنند.
۵	همایندی پیشرفت و همراهی در زندگی و همکاری و هم فهمی زوجین	ترغیب زوجین جهت ایجاد اهداف جدید و مشترک، استفاده از برنامه های تفریحی جهت نشاط و شادی آفرینی، توضیح در مورد نقش همکاری در رضایت زناشویی زوجین	ایجاد اهداف جدید در زندگی، کشیدن یک نقاشی مشترک توسط زوجین

جلسه	هدف	محتوا	تکلیف
۶	مهارت های حل تعارض	آموزش مهارت های حل تعارض، بررسی اینکه در زمان تعارض زوجین چه بازخوردهایی به یکدیگر می دهند؟ بررسی بازخوردهای سازنده و مخرب، نمونه تمرین از گفتگوی موثر برای برقراری ارتباط سالم و حل تعارض به زوجین آموزش داده شد.	در این مرحله زوجین شیوه حل تعارض خود را بیان نموده و مورد بررسی قرار گرفته شد.
۷	رضایت متقابل عاطفی، اجتماعی، جنسی	آموزش شیوه های ابراز محبت و عشق ورزی، استفاده از روش های مختلف برای قدردانی از یکدیگر، نقش رضایت جنسی بر رضایت زناشویی زوجین و تفاوت های زنان و مردان در رابطه جنسی بررسی و آموزش داده شد.	اجرای ابراز محبت توسط زوجین
۸	جمع بندی	در این جلسه موارد ذکر شده در جلسات پیشین مرور شد و جمع بندی نهایی صورت گرفت.	تکالیف جلسات قبل مرور شد

### یافته ها

جدول شماره ۲ به بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها در گروه ها پرداخته است. باتوجه به نتایج مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها در تمامی گروه های مورد بررسی رد نشد. بدین صورت که سطح معناداری آزمون کالموگروف اسمیرنوف در هر دو متغیر در تمامی گروه ها بیشتر از سطح ۰/۰۵ است

جدول ۲: مفروضه نرمال بودن توزیع متغیرها

متغیر	مرحله	K-S	p
تعارض زناشویی	پیش آزمون	۱/۱۷۰	۰/۲۳۴
تعارض زناشویی	پس آزمون	۰/۱۰۱	۰/۱۱۸

### پیش فرض همگنی واریانس ها (آزمون لوین)

نتایج جدول شماره ۳ نشان می دهد که مقدار P برای هر یک از متغیرهای کاهش همکاری ۰/۸۰۴، کاهش رابطه جنسی ۰/۷۳۹، افزایش واکنش هیجانی ۰/۴۸۸، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۱۹۲، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۵۲، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر ۰/۵۳۲ و جدا کردن امور مالی ۰/۵۸۰ است، و این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین در سطح ۰/۰۵ فرض همگنی واریانس نمره تعارض زناشویی کل، در دو گروه پیش آزمون و پس آزمون رد نشد. لذا برای آزمودن فرضیه می توان از نتایج تحلیل کواریانس بهره گرفت.

همانطور که نتایج جدول ۴ نشان می دهد اثربخشی مشاهده شده برابر با ۰/۹۰۶ که معادل مقدار f محاسبه شده ۱۰/۳۱۰ با درجات آزادی ۱۴ و ۱۵ بزرگتر از مقدار بحرانی بوده، بنابراین می توان گفت که فرضیه ما مبنی بر اینکه "روش های آموزش مدل بومی ازدواج موفق بر کاهش تعارضات زناشویی اثر دارد تایید می شود. (با اطمینان ۹۹٪). این مقدار پیلای مشاهده شده نشان می دهد که تفاوت معنی داری بین ترکیب خطی متغیرهای وابسته در سطوح مختلف متغیر مستقل دارند.

در ادامه برای بررسی تاثیر معنی دار متغیر مستقل به هر کدام از متغیرهای وابسته از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده می گردد.

جدول ۳: آزمون (لوین) همگنی واریانس های دو گروه کنترل و آزمایش برای میزان تعارضات زناشویی در مرحله پس آزمون

متغیر	آماره F	درجه آزادی مخرج	Sig
کاهش همکاری	۰/۶۳	۲۸	۰/۸۰۴
کاهش رابطه جنسی	۰/۷۰	۲۸	۰/۷۳۹
افزایش واکنش هیجانی	۰/۴۹۱	۲۸	۰/۴۸۸
افزایش جلب حمایت فرزند	۰/۴۹۴	۲۸	۰/۱۹۲
افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۰/۳۶	۲۸	۰/۸۵۲
کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر	۰/۳۹۸	۲۸	۰/۵۳۲
جدا کردن امور مالی	۰/۳۱۳	۲۸	۰/۵۸۰

جدول ۴: تحلیل واریانس چندمتغیری

آزمون	ارزش	مقدار f	درجه آزادی	درجه آزادی خطا	سطح معنی داری
اثربخشی	۰/۹۰۶	۱۰/۳۱۰	۱۴	۱۵	۰/۰۰

جدول ۵: تحلیل واریانس یک متغیره

مجموع مجذورات	DF	میانگین مجذورات	F	sig	گروهی
۴۶۹/۳۷۱	۱	۴۶۹/۳۷۱	۴۹/۵۱۴	.۰۰۰	بین گروهی
۱۱۵۵/۰۲۹	۱	۱۱۵۵/۰۲۹	۷۲/۱۱۹	.۰۰۰	
۳۳۳/۰۳۸	۱	۳۳۳/۰۳۸	۴۷/۴۷۳	.۰۰۰	
۱۰۸/۵۲۹	۱	۱۰۸/۵۲۹	۲۵/۵۵۰	.۰۰۰	
۹۰۳/۴۶۷	۱	۹۰۳/۴۶۷	۱۱۴/۹۸۷	.۰۰۰	
۳۳۹/۳۰۱	۱	۳۳۹/۳۰۱	۳۲/۱۶۵	.۰۰۰	
۲۶۵/۴۲۹	۲۸	۹/۴۸۰	۲۹/۶۶۸	.۰۰۰	درون گروهی
۴۴۸/۴۳۸	۲۸	۱۶/۰۱۶			
۱۹۶/۴۲۹	۲۸	۷/۰۱۵			
۱۱۸/۹۳۸	۲۸	۴/۲۴۸			
۲۲۰/۰۰۰	۲۸	۷/۸۵۷			
۲۹۵/۳۶۶	۲۸	۱۰/۵۴۹			
۲۴۹/۱۷۹	۲۸	۸/۸۹۹			کل
۲۶۵/۴۲۹	۲۸	۹/۴۸۰			
۵۹۶۲/۰۰۰	۳۰				
۱۷۲۹/۰۰۰	۳۰				
۶۲۹۸/۰۰۰	۳۰				
۵۶۶۸/۰۰۰	۳۰				
۷۹۹۴/۰۰۰	۳۰				
۶۷۹۸/۰۰۰	۳۰				

جدول شماره ۵ به بررسی اثربخشی متغیر مستقل بر ابعاد تعارضات زناشویی پرداخته است که نتایج نشان می‌دهد که متغیر مستقل بر همه ابعاد تاثیر معناداری داشته است، که مقدار  $F$  محاسبه شده برای ابعاد کاهش همکاری  $۴۹/۵۱۴$ ، کاهش رابطه جنسی  $۴۷/۴۷۳$ ، افزایش واکنش هیجانی  $۷۲/۱۱۹$ ، افزایش جلب حمایت فرزند  $۲۵/۵۵۰$ ، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود  $۱۴/۹۸۷$ ، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر  $۳۲/۱۶۲$  و جدا کردن امور مالی  $۲۹/۶۶۸$  است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که متغیر مستقل (آموزش مدل بومی ازدواج موفق) بر هر دو متغیر تاثیر معناداری داشته است. فرضیه اثربخشی برنامه مداخله بر کاهش تعارضات زناشویی تایید می‌شود. (با اطمینان  $۰/۹۹$ ).

### بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش اثربخشی برنامه آموزشی مبتنی بر تحقیقات کیفی بومی مرتبط با ازدواج موفق بر تعارضات زناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهرستان گرگان می‌باشد. با توجه به نتایج پژوهش چنین به نظر می‌رسد زوجینی که در جلسات آموزشی مدل ازدواج موفق قرار گرفتند (گروه آزمایش) نسبت به افرادی که در این جلسات آموزشی شرکت نکردند (گروه گواه) میزان تعارضات آنها کاهش قابل توجهی داشته است. نتایج حاصل از فرضیه پژوهش نشان داد که برنامه مبتنی بر مدل بومی ازدواج موفق بر کاهش تعارضات زناشویی تاثیر معناداری دارد. در بعد کاهش همکاری یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات تعارض گروه‌های آزمایش و گواه در خرده مقیاس کاهش همکاری تفاوت وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش (shahmoradi(2013) در بعد کاهش همکاری ناهمسو است. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های (mohagheghi(2012), hatamivarzane(2016) و Loung & Yaoung(1998) در بعد کاهش همکاری همسو می‌باشد. به نظر این پژوهشگران، تعارض زمانی به وجود می‌آید که زوج‌ها به دلیل همکاری و تصمیمات مشترکی که می‌گیرند، درجات مختلفی از استقلال و همبستگی را نشان می‌دهند و از بابت فقدان همکاری صمیمانه بین آنها مشکلاتی

به وجود آید. در خرده مقیاس کاهش واکنش هیجانی یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات تعارض گروه‌های آزمایش و گواه در مقیاس کاهش واکنش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این فرضیه با پژوهش‌های (Ranshaw, Balis,(2010), pirsaghi(2016), shahmoradi(2013) در بعد کاهش واکنش هیجانی همسو می‌باشند. همچنین پژوهش (Beshkar,Sodani,yeeilagh(2012) نشان داد که آموزش مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش مولفه واکنش هیجانی و سایر مولفه‌های تعارض زناشویی موثر است. ممکن است زوج‌ها بر الگوی زندگی خود و در برخورد با تجارب اجتماعی پرخاشگری را به عنوان یک راه حل برای برخورد با مسائل و تحت تاثیر قرار دادن دیگران یاد گرفته باشند و از این راه امتیازاتی کسب نموده و این الگو در آنان تثبیت شده باشد (Dillon,2005). وقتی زوجین روابط معیوب و متعارضی دارند واکنش‌های هیجانی آنها منفی نظیر پرخاشگری کلامی و فیزیکی، گریه، قهر، ترک کردن منزل و... افزایش می‌یابد. افزایش واکنش‌های هیجانی سبب می‌شود زوجین سطح اضطراب بالایی را تجربه کنند. یادگیری مهارت کنترل خشم، ایجاد فضایی برای گفتگو سالم و استفاده از شوخی و شادی آفرینی سبب می‌شود که زوجین واکنش‌های هیجانی منفی کمتری را تجربه کنند. در بعد کاهش رابطه جنسی یافته‌ها نشان داد که بین میانگین نمرات تعارض گروه‌های آزمایش و گواه در خرده مقیاس کاهش رابطه جنسی تفاوت معناداری وجود دارد. همسو با این نتایج پژوهش (Amidpour,Ardali,Ahmaditabar(2016) نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش صمیمیت و کاهش تعارضات زناشویی همسران می‌شود. نتایج پژوهش (kalantari,bagheri,sadeghi(2018) نشان داد که برنامه آموزشی افزایش صمیمیت بر مبنای فرهنگ بومی ایران بر رضایت زناشویی زوج‌ها تاثیر دارد. (Heydari(2013) در پژوهش خود نشان داد آموزش بر اساس آموزه‌های اسلامی بیش از آموزش بر اساس نظریه‌های مشاوره نمره کل رضایت زناشویی را افزایش داده بود در مقیاس‌ها رضایت جنسی هم نیز این تفاوت معنادار بود. (mohagheghi(2012)



تعارضات در زندگی زوج ها می شود. اگر بین زوج ها تعارض و یا ناسازگاری به وجود بیاید در آن صورت هر خانواده از فرزند خود حمایت کرده و با توجه به افزایش اختلاف و ایجاد حس تنفر یا اختلال در روابط زوج ها، تمایل آنان به نزدیک شدن به خانواده ی اصلی خود افزایش می یابد و می توان پررنگ بودن رابطه شخصی اعضاء خانواده با والدین و خویشاوندان خود را نشانه ای از بروز اختلال در روابط درون خانوادگی آن زوج دانست. یادگیری مهارت حفظ کردن قلمرو زناشویی و استقلال فرد از خانواده مبدأ منجر می شود که زوجین متعارض با منسجم کردن منظومه زناشویی و حفظ حریم آن خود روابط مناسب و معقولی را با خانواده های مبدأ خویش برقرار کنند.

در خرده مقیاس جلب رضایت فرزند یافته ها نشان داد که بین میانگین نمرات تعارض گروه های آزمایش و گواه در مقیاس کاهش جلب رضایت فرزند تفاوت معناداری وجود دارد. این فرضیه با یافته های Hinnanat, Binjamin, sheikh, (2013), Gill, Josph, Margaret, (2013), Patrick (2008) مطابقت دارد. از آنجایی که همبستگی مستقیمی بین رابطه نامناسب زن و شوهر و رابطه نامناسب با فرزندانشان وجود دارد، در ازدواج هایی که رابطه زن و شوهر با یکی از متعارض است ارتباط والد-فرزندی مناسبی وجود ندارد. در این خانواده ها احتمال شکل گیری ائتلاف و مثلث سازی بین فرزندان و زوجین وجود دارد. و همین امر منجر به افزایش تعارض بین زوجین می گردد. افرادی که شاهد درگیری های فیزیکی بین والدین نشان هستند، سازگاری روانی - اجتماعی کمتری نسبت به دیگر افراد تجربه می کنند. وجود تعارض در بین والدین منجر به ایجاد ائتلاف های مختلف در بین والدین و یا یارگیری از فرزندان می شود. این ائتلاف ها خود ایجاد کننده ی تعارضات بعدی هستند و به این ترتیب خانواده درگیر یک دور باطل از ارتباطات درون سیستمی می شود.

در بعد جدا کردن امور مالی یافته ها نشان داد که بین میانگین نمرات تعارض گروه های آزمایش و گواه در خرده مقیاس جدا کردن امور مالی تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های (Bahaeri&etal(2001),

نشان داد که برنامه توانمند سازی اثر ماندگاری در طی زمان بر تعارض زناشویی دارد همچنین در بعد رضایت جنسی این تفاوت معنادار بود. پژوهش (sadegh(2016) نشان داد که مدل بومی تدوین شده خانواده سالم باعث افزایش مولفه شور و هیجان جنسی شود. در تبیین این فرضیه می توان گفت با افزایش تعارض بین زوجین میزان و کیفیت رابطه جنسی آنها دستخوش تغییرات منفی می شود. همچنین رابطه ی جنسی یکی از وجوه صمیمت در میان زوجین می باشد که معمولا به روابط سالم و رضایتبخش بین آنها منجر می گردد. زوجین متعارض روابط جنسی و صمیمانه مابین خود را منفی ارزیابی می کنند. در تبیین این فرضیه می توان گفت که زوجین دارای تعارض از در برقراری رابطه نزدیک و صمیمانه، ابراز کردن احساسات و هیجانات، نیازها و خواسته های خود به همسرانشان دچار مشکل هستند به طوری که این عوامل سبب کاهش کیفیت روابط جنسی بین آنها می گردد. دو بعد دیگر از ابعاد تعارض زناشویی " افزایش رابطه با خویشاوندان خود" و "کاهش رابطه با خویشاوندان همسر" می باشد که در پژوهش حاضر اثربخشی مدل ازدواج موفق بر آن مورد تایید قرار گرفت. این یافته با پژوهش های (2013)

shahmoradi, Beshkar, Sodani, yeeilagh (2012), (2010) Mitrani همسو می باشد. این فرضیه به این صورت تبیین می شود که هنگام بروز تعارض نارضایتی و الگوهای تعاملی مخرب بین زوجین، احتمال اینکه زوجین از یکدیگر فاصله بگیرند و هر یک با خویشاوندان خود تعامل داشته باشند بیشتر می شود. ارتباط بیشتر زوجین با خویشاوندان خود زمینه ساز بروز دخالت ها از جانب خانواده های مبدأ می گردد و همین امر شکاف بین زوجین را بیشتر از قبل می کند. اگر زوج ها از نظر اقتصادی و یا مسکن به والدین خود متکی باشند و یا از نظر عاطفی وابستگی زیادی داشته باشند. این مداخلات بیشتر هم می شود. در واقع، هر کدام از خانواده ها تلاش دارند ارزش های حاکم خود را از طریق مداخله ی مستقیم و یا غیر مستقیم (با استفاده از نماینده ی قانونی خود در آن خانواده) به خانواده ی تازه شکل گرفته القاء کنند. این مداخلات به تدریج منجر به بروز اختلافات و

## منابع

- Amani, A., & Letafati Beriss, R. (2013). The Effectiveness of Group Training in Communication Skills Decreasing Marital Conflicts. *Applied Counselling*, 2(3), 17-36. <https://www.sid.ir/fa/journal/JournalList.aspx?ID=5743>. [Persian]
- Bahari, F., Fatehizadeh, M., Ahmadi, S. A., Molavi, H., & Bahrami, F. (2011). Effectiveness of Couple Communication Skills Training (CCST) on Decreasing the Marital Conflicts of Divorcing Couples. *Research in Clinical Psychology and Counselling (Studies in Education & Psychology)*, 1(1), 59-70. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=217817>. [Persian]
- Bradbury, T.N. Fincham, F.D& Beach, S.R. It. (2000) Reserch on the nature and the determinants of Matrial satisfaction: a decade in review. *Journal of marriage and the family*, 62(2),964-980.
- Delavari, A., Gholamzadeh Jafreh, M., & Farahbakhsh, K. (2017). The Survey on Marriage Goals of Satisfied and Dissatisfied of Married People. *Consulting Researches*, 16, 112-133. <https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=499635>. [Persian]
- Dillon, H.N. (2005). Family violence and divorce: Effect on marriage expectation. A thesis presented of faculty of the department of psychology East Tennessee state university.
- Fowers, B. J. & Olson, D. H. (1992). Four types of premarital couples: An empirical typology based on PREPARE. *Journal of Family Psychology*, 6, 1, 10-21.
- Gill Patrick, S (2008). 7 Way couples add Conflict to Conflict. Center stone. Wellness program.
- Hinnanat, Binjamin, El-sheikh, Mona & Kelley, Josph, Margaret. (2013). Material Conflict, All static Load, and the Development of childrens Fluid cognitive-erformance. *child Development*, DoI:10.1111/cdev.1210
- Hatami Varzaneh, A., Esmaeili, M., Farahbakhsh, K., & Borjali, A. (2016). *Comparative Study of Happy, Stable Marriages, and Dissolving*
- همه این پژوهش‌ها تأیید کردند که برقراری الگوهای ارتباطی مناسب، صمیمیت عاطفی، هیجانی زوج‌ها را افزایش داده و تعارضات آنها را در همه ابعاد از جمله امور مالی کاهش می‌دهد. در تبیین این نتیجه باید گفت که هر اندازه زوجین از نظر مالی از همدیگر مستقل باشند از نظر عاطفی هم از هم دور میشوند که با توجه به نتایج به‌دست آمده خانواده درمانی ساختی باعث گردید که زوجین از نظر مالی خود را از همسرانشان جدا ندانند. پس خانواده درمانی ساختی به شیوه گروهی در کاهش این بعد از تعارضات زناشویی موثر است.
- بنا به یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت عوامل شناسایی شده در پژوهش حاضر در ارتباط با هم عمل کرده و سهم هر یک از آنها در جای خود مهم است و به منظور ارائه یک مدل جامع از ازدواج موفق بومی باید به نقش همه‌ی این عوامل توجه شود. از آنجایی که در یک ازدواج موفق مهم‌ترین دست‌آورد این پژوهش دستیابی به یک مدل جامع بومی برای ازدواج موفق با تأکید بر نقش فرهنگ و مذهب با استفاده از ترکیب کردن پژوهش‌های داخلی انجام گرفته و مقوله بندی کردن آنها در قالب اصطلاحات قابل فهم مطابق با فرهنگ و همچنین تفکیک کردن ازدواج موفق بومی در سه مرحله پیش از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج می‌باشد.
- یکی از محدودیت‌های این پژوهش این است که با توجه به کم بودن جلسات و محدود بودن افراد مورد آزمون نمی‌توان این پژوهش را به جامعه بزرگتر تعمیم داد. یک موضوع خواه ناخواه بر روی نتایج رفتاری کوتاه مدت شرکت‌کنندگان موثر است، به نظر می‌رسد که برای ابقای نتایج نیاز به پیگیری‌های طولانی مدت تری هست که در این پژوهش میسر نشد.
- با توجه به اینکه آموزش ارائه شده بر مبنای تحقیقات کیفی انجام شده در فرهنگ ایرانی است پیشنهاد می‌شود بسته‌های آموزشی ازدواج موفق بر اساس هر یک از خرده فرهنگ‌های ایرانی طراحی شود و اعتبار آن بر روی جامعه هدف سنجیده شود.

- Marriages (A Qualitative Study)* (Thesis). The Women and Family Cultural Education Journal. [Persian]
- Kalantari, M., Bagheri, F., & Sadeghi, M. S. (2018). Effectiveness of Educational Program for Enhancement of Intimacy Based on Iranian Native Culture on Marital Satisfaction of Couples. *Journal of Applied Psychology*, 12, 7–24. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=670954>. [Persian]
- Khojasteh Mehr, R., & Mohammadi, R. (2017). The Experience of Happiness in Enduring Marriages: A Qualitative Study. *Family Psychology*, 3(2), 59–70. <https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?ID=542980>. [Persian]
- Markman, H., Halford, W, K.(2005). International perspectives on couple relationship education, Family Process.June 2005 .www.find articles.com.
- Manap, J., Chekassim, A., Hoesni, S., Nen, S., Idris, F., & Ghazali, F.(2013). The purpose of marriage among single Malaysian youth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 82(3), 112–116
- Mohagheghi, H. (2011). *Development of a Couple Empowerment Training Program Based on Sternberg Love Theory and Its Effect on Reducing Marital Conflict and Increasing the Satisfaction of Dissatisfied Couples in Hamedan City* (Thesis). Allameh Tabataba'i University. [Persian]
- Mitrani, A.T. (2010). Outcome of anger management training program in sample of undergraduate students . *procedia Social and Behavioral Sciences* ,5, 339-344. Available online at : [www.Sciencedirect.com](http://www.Sciencedirect.com). WCPCG-2010.
- Pirsaghi, F., Zaharakar, K., Kiamanesh, A., Mohsenzadeh, F., & Hasani, J. (2017). *The Indices of Effective Marital Relationship: A Qualitative Study* (Thesis). Applied Counselling. [Persian]
- Sadeghi, M. (2013). *Develop a Native Model of a Healthy Family and Study the Effect of Education Based on This Model on Family health and functioning and the Quality of Marital Relationship* (Thesis). Isfahan University. [Persian]
- Salari Zare, Z., Goudarzi, M., Zandi, F., & Karimi Sani, P. (2019). Transformation of Previous Research to Achieve the Components of Successful Marriage in Iran. *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 20, 24–36. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=491163>. [Persian]
- Sanaei, B. (2011). *The Measurement Scale of Family and Marriage*. Besat Publication. [Persian]
- Saroukhani, B. (2006). *The Encyclopedia of Social Sciences*. Keyhan Publication. [Persian]
- Segrin, C. & Flora, J. (2005). Family communication. London: Lawrence Erlbaum associates publishers
- Ranshaw, K.D., Balis, R.k. & Smith, T.W. (2010). Components of Negative affectivity and Marital satisfaction: The importance of actor and partner anger. *Journal of Research in Personality*, 44 (3):328-334
- Shahmoradi, S. (2013). *Develop a Native Model of Couple Communication Counseling on Cycle of Demand-Withdrawal and the Effect of Couples Counseling, based on the Cycle and Reducing Marital Conflict in Isfahan* (Thesis). Isfahan University. [Persian]
- Yaoung, L.L. & Young, M.E. (1998). *Counseling and Therapy for Couples*. Brook/Cole Publishing Company.